

،جنکیم کرت از دوخ رضاح لاح جنگیم ملخالم نم i step in, i leave my present,

.مِي آيم وٽ متشنگ مب the light goes along with me, she follows me. النكاعم لاابن د ارم وا ١٠دي آيم نم مارمهب رون my shadow precedes me, she guides me towards your work.

دن کیم تی اده وت راک لحم تمس مب ارم وا ،تسرا نم زا رتولج ماهیاس she stretches herself worried and respectful,

بدود عام دادتم ا مارت ا و عن الكن اب ار دوخ وا while the sun goes down to west.

دور عم نی ماپ برغ تمس مب دیشروخ مکی اح رد i come closer, i listen to the place with my eyes full of devotion.

عراپسيم شوک ناکم هب مگتشندگدوځزا زا رپ میاهېش اب نم ،میآیم رتکیدزن نم you, sculptor, painter, architect, poet, troubled genius, ،شوشم مغبان ،رعاش ،رامعم ،شاقن ،شارتركى ،وت great beauty researcher,

, ప్రార్థ్ముల్లో ప్రార్థ్ముల్లో అంటే ప్రార్థ్ముల్లో ప్రార్థ్ములో ప్రార్థ్ముల్లో ప్రార్థ్ములో ప్రార్థ్ముల్లో ప్రార్థ్ముల్లు ప్రార్థ్ములు ప్రార్థ్ ప్రార్థ్ ప్రార్థ్ ప్రార్క్ ప్రార్థ్ ప్రార్ట్ ప్రార్శ్ ప్రార్థ్ ప్రార్ల

. عدر کے م راک دوخ دن عاش وخ عارب و عدر کے م م کیدنز دوخ راک رطاخ ہا۔ you that were taking marble away from marble to let its light free.

،هدنن اوغا و مرن طوطخ زا هدش هت خاس ماهلوغ قلاخ ،وت you, creator of giants made of soft and seductive lines, تس مدش عرادمگن مدام نعا رد تردق strength held in the matter.

راظتن رد بش مامت وت مکی اح رد ،منکیم رکف وت مب i think of you, while with tallow's enlightenment

ردقرش مرجنب زا مدمدیبس رون شروارت you were working all night long waiting for the light of the dawn

. عادب راک مب لوغشم زوس عن غارج عانشور seeping in the east window.

،دوب ینالوط و دنالب ،نینطرپ کاتب تابرض the beats of the mallet were resounding loud and lengthy,

شی ی ر ی ادوی اس وعل اطع لیاح رد وت مک ی لیاح رد while you were studying the shadows of the beard

عدوب عسك رقوم تاروص فارطا رد ناخرج twisting around the solemn face

الوب مدرک تاق الم ار عدبا رون مک of who met the eternal light.

،دنابات اهناسن رب ار رون مک ماهدروآ دوجو هب ار میسک مک وت you that brought into existence who shed the light on men, ایوش نشرور یناوتیم ای آ an you be lighted up?

دننکیم نامنې ،دنکیم ناشځرد برس نزو مدننک عمج نم رون مدب مزاج اet my light be the gathering of your chiseled shapes,

دوشيم مداد شاداب ي الدمدن زبش ي امتوعد مهم مب the summons of all wakefulness rewarded.

دوخ ندر کبوذ اب ع عون صم رون و ع عیبط رون natural light and artificial light create a dialogue,

مرن یاه چیپ رد متفرک رارق ی مال رون زا ی ناحور مدعاق کی رد melting themselves in a spiritual principle of divine light ،مدننکاوغا ی امی گتفروت و laid down on soft turns

دننکیم وگوتفگ مِماب ،تس ا مدش یشاقن منالقاع مک and seductive recesses, wisely painted.

یتش اذک اج ناموس فاکش یور وت مک یتای یزج the details you left to the rasp's scar

ری ار متفایالع لاکش مک یرون ی انشور رد ار دوخ conceal themselves to the light

.دننکیم نامنپ ،دنکیم ناشخرد برس نزو which glorifies polished shapes under the weight of the lead. ،دنامیم می اب می مابی و مکی احل رد مین کیم تکرح مدنی آ میسمب ام we move towards the future while beauty remains,

دراد نادعواع عروض و eternal present. Moris Man.

illuminating the light روشن کردن نور

progetto project: restauro e progetto della luce, tomba di ajulio II, mosè di michelangelo tomba al giulo II, mose al michetangelo luogo location: basilica di san pietro in vincoli, roma committente client: soprintendenza speciale per i beni archeologici di roma soprintendente superintendent: francesco prosperetti

ufficio stampa soprintendenza roma superintendence press office: luca del fra restauro restoration: architetto antonio forcellino

progetto luce light project: mario nanni progetto video project: architetto enrico ferrari ardicini fotografia photography: mario nanni corpi illuminanti light fittings:

sistema n55 system

grazie a thanks to





یایید با ستایش دوران باستان زندگیکردن در دوران خود را بیاموزیم

من كل اين موضوع گزارش ويابيتزونو را به اثر خود از بازسازى لوازم روشنايى بناى يادبود ژوليوس دوم اختصاص میدهم، اثری فوق العاده که بهدلیل ظرفیت آن برای بههمپیوستن و تحقق بخشیدن به جست وجوی من درخصوص یک نور پویا، ارزش یک توجه خاص دارد، زیرا برخی خطوط احتمالی پیشرفتهای آتی

داستان آرامگاه یادبود ژولیوس دوم یکی از صحنههای رودررویی و گفتوگو است. موسی خود مظهر گفتوگو است: او یک چهره نمادین در سه دین توحیدی است - دین مسیحیت، یهودیت و اسلام - بنابراین مىتواند يك رابطه بين عقايد مختلف ايجاد كند.

پس موسى اثر ميكلآنژ، نتيجه يک گفتوگو بين روحى الهى و زمينى، بين كشيش بزرگ رنسانس و . باهوشترین هنرمند خویش است، بین استعداد خلاق خود و یک مکان مقدس است. پیکرتراشی بونازوتی در طی سالها به وسیله گفتوگو بین ماده و نور، بین تاریخ و خاطره به وجود می آید. به همین صورت، بازسازی مجتمع پیکرهنما پروژهای از گوشدادن و اکتشاف است.

سنگ مرمر چقدر نور منتشر میکند؟

من پاسخی برای این کلمات ضد و نقیض آشکار در گفتوگو بین فضا و کار موجود درون آنرا، که گویی در لایههای چینخورده پوست و ریش مواج، و از همه مهمتر، در لایههای زمان پنهان باشد، جستوجو كردهام. با گوشدادن به تاريخ كليساى جامع رومي سن پيترو در وينكولي من نور آن، شدت آن و احساسات ایجادشده توسط الله یک انسان، مشوش که هرگز از جست وجوی خود از زیبایی راضی نبود، اینکه هنوز قادر به برانگیختن است را کشف کردم. هنگام راهاندازی یک پروژه بازسازی، بهترین ابزار حافظه همراه با تكنولوژی است. پروژه مربوط به موسی اثر میكلآنژ ساده بود اما آسان نبود، كه به همان روی کرد و روش کار منطبق با زجری که هنرمند رنسانس در طول خلق آن متحمل شده است، نیاز داشت. در طول چهل سال ساخت خود، بنای یادبود همراه با زندگی خالق خود پیش مهرفت، و نظارهگر تغییر مكانها و ابعاد، برنامه ها و ظواهر پيكرنگار بود، با چاره أنديشي هاى مداوم پس از انجام كار، همچنين نزدیک به اتمام کار همراه بود، همانگونه که با چرخاندن چهره موسی بهسمت نور غروب آفتاب، بهجای محراب تصدیق شد. میکلآنڈ وقتی قادر به دیدن آثار هنری خود بود این آثار هنوز بهصورت بلوکهای بزرگ سنگ مرمر بودند که هنرمند شخصاً آنها را در معدن انتخاب میکرد: با استفاده از پتک و اسکنه سنگها را از ماده آزاد میکرد و به آنها یک زندگی، نزدیکتر به نور الهی میبخشید. طی یک فرآبند بسیار دشوار "حذف"، بازسازی نور موسی به کندن مواد اضافی نیاز داشت که با استفاده از فنآوری های پیشرفته، شاهکار پیکرهنما به شکوه سابق خود بازگردانده شد.

میکلآنژ در اثر موسی خود، با پرتوهای خورشید کار میکرد: زیر نور چراغ نفتی کارگاه خود، او گرمای آغوش آنها را تصور میکرد و سایههای آنها را با رویکردی بسیار تصویری خلق میکرد، تا جاییکه در صحبت در مورد آثار هنری، واساری آن را بیشتر "کار با قلممو خواند تا کار با اسکنه".

بازسازی روشنایی شاهکار رنسانس با طراحی مجدد حرکت خورشید در فضا، پیکرتراشی را در چشمهای متفكر ما با بازيابي گفت و گو بين مكان و اثر، فضا و زمان، با كيفيت رقت انگيز اصلي آن تداعي ميكند. در اثر من، من موسى را درخشان نكردم،

من سایههای خودش را به او بخشیدم.

let's praise the ancient times to learn living in ours

ال delicate this entire issue of Viabizzuno report to my work of restoration of the lighting fixture of the masuoleum of julius II, an extraordinary work which worth a specific focus because of its capacity to reunite and materialize my search of a dynamic light, because it sketches out some potential lines of future development. The story of the memorial tomb of julius II is one of encounter and dialogue moses himself embodies the dialogue: he is a symbolic figure in the three monotheistic religions - christianity, hebraism and muslim religion - who is therefore able to establish a relationship between the different faiths. michelangelo's moses, then, is the result of a dialogue between the divine and the earthly, between the supreme pontiff of the renaissance and its most brilliant artist, between its creative talent and a sacred place, buonarroti's sculpture is generated by the dialogue between matter and light, between history and memory. across the ages, in the same way, the restoration of the sculptural complex is a project of listening and discovery, how much light does marble emit?

I've searched an answer to this apparent oxymoron into the conversation between the space and the work contained within it, hidden as it was in the drapery, the flowing beard and the skin but, above all, in the folds of time. listening to the history of the roman basilica of san pietro in vincoli I discovered its light, its intensity and those emotions created by the work of a man, troubled and never satisfied in his research of beauty, that it is still capable of arousing. when approaching a restoration project, the best tool is memory, combined with technology, the project for michelangelo's moses was simple but not easy, which has required the same approach and the same approach and the same methodology adopted by the renaissance artist during its tormented creation.during its forty-years development, the mausoleum went along with its creator's life, seeing places and dimensions changing, iconographics plans and appearan

و ضو عات

ه شارک دار نه ر ating the light

داستان آرامگاه ژولیوس دوم story of the tomb of julius II

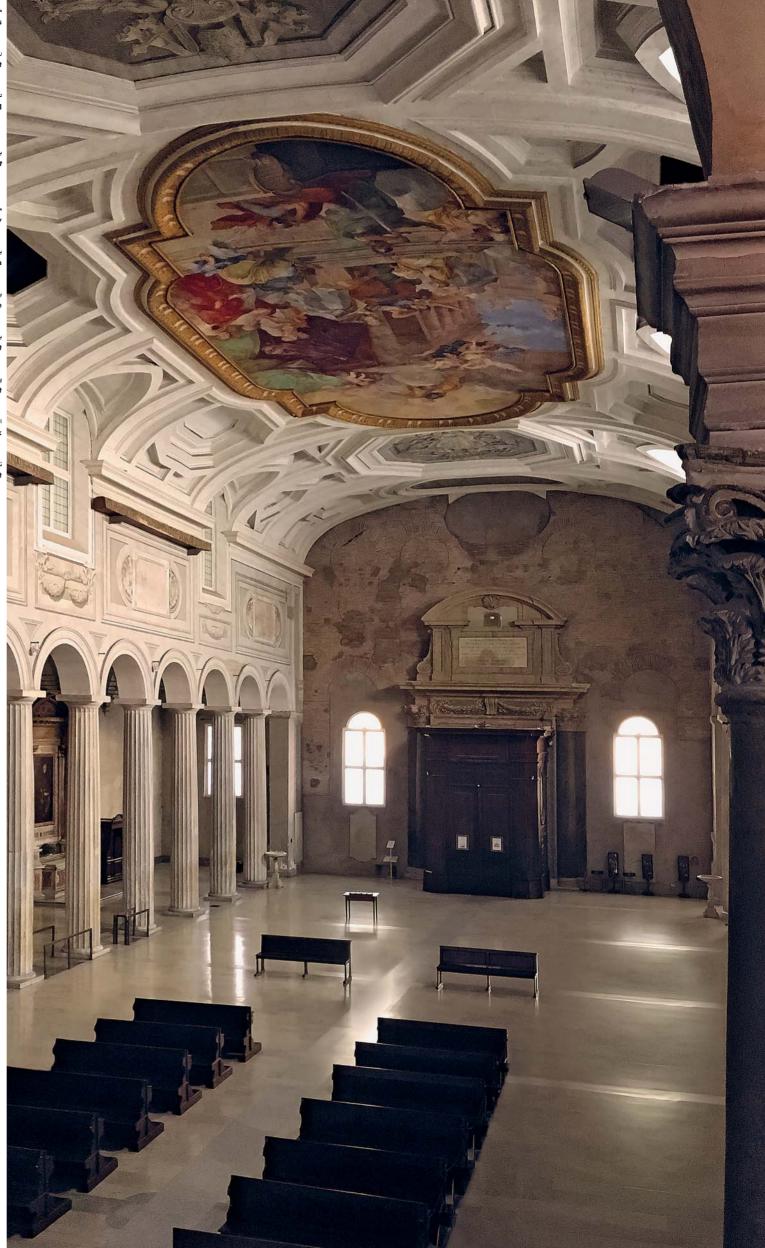
> سان و اقعیت the state of fact

باز ساز ی

ه من نگاه کن look at me

the restoration of the light

the result



story of the tomb of julius II داستان آرامگاه ژوليوس دوم

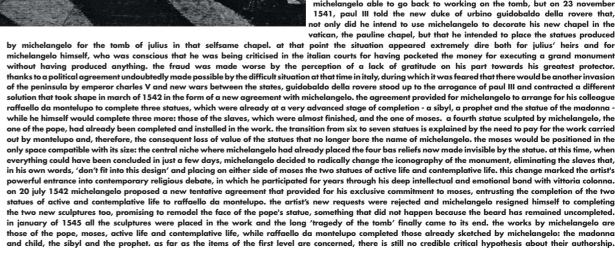
در مارس ۱۵۰۵ ، میکلآنژ سی ساله توسط پاپ جدید ژولیوس دوم دلا روور (در سال ۱۵۰۳ انتخاب شد) به رم فراخوانده شد تا یک آرامگاه بزرگ در کلیسای جامع سنت پیتر در واتیکان بسازد. نوسازی معماری کلیسای جامع به تازگی به دوناتو بر رامانته واگذار شده بود. با رسیدن به یک پیش فت منطقی، میکاآنژ به کار از انقل مکان کرد تا شخصاً سنگ مرمر برای مجسمه ها را انتخاب کند. به بغنظر میرسد که ایده اولیه میکرآنژ همان است که در یک نقاشی با تاریخ نامشخص که در حال حاضر در نیویورک است دیده می شود، که در آن او آرامگاهی ترسیم کرده است با دیوارهای بسیار بلند، کمی بیش از ده متر، با یک تابوت عتیقه در مرکز که روی آن پاپ توسط فر شنگان پشتیبانی می شود. مجسمه های بزرگی از افراد نامشخص در تورفتگی سطح اول و در گوشه های سطح دوم قرار گرفته بودند. از سال بعد، ورود سنگ مرمر به رم شروع شد، امادر عین حال نظر پاپ تغییر کرده بود، شاید به دلایل مالی -در واقع، ژولیوس دوم درحال رویارویی با یک نبرد جدی نظامی در مرکز ایسال با برای باز پس گرفتن موقعیت کلیسابود - و یا شاید، همان طور که میکرانژ گمان می کرد، چراکه او توسطد شمنان هنرمند مباو به شهر بازگرداند، رم را ترک کرد. میکرانژ گمان می کرد، چراکه او توسطد شمنان هنرمند را به شهر بازگرداند، رم را ترک کرد. میکرانژ موفق شد مأموریت نقاشی علیسای سیستین را به دست آورد، که تا سال ۱۹۲۱ در آنجا مشغول به کار بولونیا مالاقات کرد جایی که برای او ریخته مجسمه بزنی قرار داده شده بر روی درب سن پیر و وی درب سن چند ماه پس از اصامه نای باپ بود بر برگوشت فود به در میکرانژ موفق شد مأموریت نقاشی علیسای سیستین را به ست آورد، که تا سال ۱۹۲۱ در آنجا مشغول به کار بود وی درب سن چند ماه پس از اتمام ساق سیستین و مرگ پاپ در فوریه ۱۲۵۱ میکرانژ قرار داد جدیدی برای ساختن یک بیای یادبود بزرگ و بسیار گران قیمت با ورثه او امضاکرد، به ارزش بود وی درب سن چند میکرانژ و راد در به میکرانژ قرار میگرفت و شامل یک پلتش میا به در میکرانژ و میکرانژ و از داد بدید در بر ورد میکرانژ راد ورد ورد میکرانژ راد ورد ورد ورد میکرانژ راد ورد ورد ورد ورد و خودش کار بر روی سنگ مرمر کرد، کار تابلو را به میسه ساز اها توسک و میسه به دو میان بر ایستی خود میکرانژ را در وی میسه با داد به دو میسه دا و در و میسه داود را برای آن تراشید و ده که به مههرین و محبوبترین نما ده داد داد داد دا

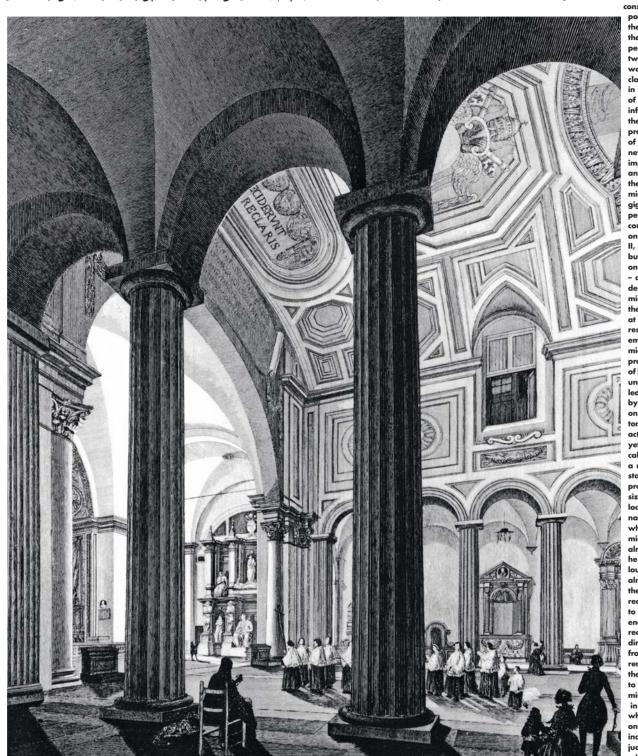
ازادی جمهوریخوآهان تبدیل شد. در طُول آن دوره میکلآنژ بدون شک روی اثر موسی، ساخره و دو برده که اکنون در موزه لوور در معرض نمایش است کار کرد. مجسمههای موجود در کارگاه خانه (house-cum-workshop) توسط وراث ژولیوس دوم در ماچلو دی کوروی، نزدیک به ستون ترایان، جایی که گُوره آهنگری برای آبدادِن به ابزار کار ساخته بود، در آختیار وی فرار داده شدند. در سال ۱۵۱۶ میکلآنژ یک ماموریت از سوی لنون دهم مبنی بر ساخت نمای. پلیسای سن لورنزو در فلورانس دریافت کرد و او کار بر روی آرامگاه را رها كرُّد. اين كار وراّثُ پاپ، كاردينال لُنوناردو گروسو دلا رُوورٌ و دوك اوربينو، فرانچسنگو ماریا دلا رُووْر را بسیار خشمگین کرد. بهتوجه به اعتراضات مشروع دوک و کاردینال، میکل/نثر ساخت و ساز نمای کلیسای سن لورنزو را برعهده گرفت و در جولای ۱۵۱۶ وارد قراردادی جدید با وراث دلا روور شد بنای یادبود در یک مقیاس کم هزینه تر. تعداد مجسمه ها از سی و هشت به بیست کاهش یادبود شش سال دیگر برای میکل آنژ تمدید گردید. يروژه ساخت نماي سن لورنزو شكست خورد، شايد به اين دليل كه ميكلآنژ در نْلاَشْ برای تراشیدن بلوکهای غولپیکر از کوههای توسکان برای ستونهایی در طُولُ حَمَّلٌ و نَقَلُ شُكْست، بِيشُ أَزُ حَدَّ بِلنَّدِيرِ وَازَّ بُود. عُمَّى عُمَّ درخُواستُهاى مصرانه وارثان ژوليوس دوم، در سال ١٥٢٠ ميكلآنـژ يک ماموريت جديد را پاپ جدید مدیچی، کلمنت هفتم (۵۴۳ - ۲۵ ۱۵)، که میخواست با هر هزینهای که شده نمازخانههای مراسم تشییع جنازه خودش در سن لورنزو تمام شود جسور شده بود، هیچ تلاشی برای تکمیل آرامگاه ژولیوس دوم انجام نداد. در ۵۲۷ ۱، در نتیجه بحران رسی حمیقی که بین پاپ کلمنت هفتم و امپراتور چارلز پنجم رخ داد، یک دولت جمهوریخواه در فلورانس بنا شد که در آن میکل آنژ مقام فرماندار استحکامات نظامی مهروری به برا بلادست آورد. پس از یک محاصره طولانی در ۱۵۲۰، دولت جمهوریخواه با تلفات زیاد سرنگون شد و میکلآنژ مجبور شد که برای در امان ماندن از خشم اُصلاحات هدایتشّده تَوسط برادرزاده پاپ، اُلساندرو د مُدیچی خونخوار، بامدت چند روز در سوراخ دریچه ورودی زیرزمین کلیسای سن لورنزو مخفی شود. با عفو کلمنت هقته، هنرمند موانی کرد برای نقاشی رستاخیز بر روی دیوار نمازخانه بسیستین به رم بازگردد، اما او نیز متقاعد شده بود که آرامگاه ژولیوس دوم را تکمیل کند، زیرا رم جرسری به او حر مصححه سده بود که ارامحاه رویبوس دوم را محمیل کند، ریرا دوک اوربینو او را به اتهام به چیبزدن مبلغ هنگفتی پول بدون اینکه تا آن زمان کاری انجام داده باشد، به یک اقدام قانونی شدید تهدید کرد، میکل آنژ در ۲۶ آوریل ۱۵۳۲ با تصمیم برای پایان دادن به این فصل دردناک، که او خود آنرا (تراژدی آرامگاه، به سام بن کی گیات به به اور انجست و با فرانچست و ماری در این از منتقبه شد که شش مجسمه بنای یادبود را با دست خود ارایه دهد و قرارداد خود را با دیگران برای تولید تزیینات معماری لغو کند. اندازه بنای پادبود اکنون بسیار کاهش یافته و به یک آرامگاه نیواری تبدیل شده بود و خود میکلآنژ مکان آنرا در کلیسای جامع سن پیترو در سیواری میتین سده بود. وینکولی انتخاب کرد. کلیسایی که مرتبط با نام دلا روور بود مانند نام مهمتر و رایجر دیگر سانتا ماریا دل پوپولو، اما به نظر میکلآنژ شرایط نور در آنجا خوب نبود. میکل آنژ فکر مرکرد که مرتواند با نصب چند مجسمه نسبتاً کامل شده که قبل آز عزیمت به فلورانس در سال ۱۵۱۶ در خانه ماچلو دی کوروی گذاشته بود، آرامگاه را به سرعت تمام کند، او تصمیم گرفت که از دو مجسمه برده که هماکنون در موزه لُوور هستند در سطح پالیینتر، مجسمه ساحره و پیامبر روی سطح بالا استفاده کند، این مجسمهها نیز تقریباً تمام بودند، و یک طرح جدید از مجسمه پاپ و یکی از تصاویر حضرت مرّیم را حجاری کند، هر دوی اینها باید برای فضایی که ار المعاوير مصرت مرب مرب می میشدند. میکلآنژ از قبل در سال ۱۵۳۳ کار سیار کوچک شده بود تطبیق داده میشدند. میکلآنژ از قبل در سال ۱۵۳۳ کار سنگتراشی را جهت آمادهسازی جناح کلیسای سن پیترو در وینکولی برای جادادن در آرامگاه آغاز کرده بود. در انتهای جناح راست کلیسا، کنار گروه کر راهبان، او یک قوس بزرگ باز کرد که نور را از پنجره پشت آن دریافت میکرد و آرامگاه دیوآری را به یک ساختار سه بعدی با عمق فضایی تبدیل میکرد. نور از پشت از دو پنجره بلند، یکی به سمت چپ و یکی به سمت راست به آرامگاه میتابید، پنجره دوم بعداً وقتیکه کلیسا و ساختمانهای مجاور تحت نوسازی قرار گرفتند، برداشته شد. تورفتگی در دیوار مرکزی سطح اول باید به عنوان یک ورودی ایده آل به نمازخانه مراسم تشییع جَدَّارَه خَالَی میماند، و دو طرف آن با چهار نقش برجسته کوتاه که میکلآنژ در پایان دهه سی در آنجا قرار داده بود و یک نقش برجسته برنزی در پانل مرکزی با نمایش فروآمدن مانده آسمانی از بهشت، که در آن مانده أسمانی در شکل بذرها، نماد نجابت خانوادگی ژولیوس دوم است تزیین شده بود. اما متاسفانه یکبار دیگر این آثار باید ناتمام باقی میماند زیرا بهدستور پاپ جدید پل سوم فارنس (۴۹۵-۱۵۳۹) که در سال ۱۵۳۴ یک motu ياپ جديد پل سوم proprio صادر کرد که براساس آن هنرمند از همه وظایف دیگر آزاد میشد، میکلانژ باید بهطور انحصاری روی اثر رستاخیز کار میکرد. فقط در پایان عمل تهورآمیز تصویری بزرگ در نوامبر ۱۵۴۱ میکاآنژ قادر به بازگشت به کار بر روی آرامگاه بود، اما در ۲۳ نوامبر ۱۵۴۱، پل سوم به دوک جدید اوربینو گویپدوبلدو دلا روور، گفت که، نه تنها او قصد دارد که از میکاآنثر برای تزیین کلیسای کوچک جدید خود در واتیکان، کلیسای کوچک پانولین استفاده کند بلکه قصد جُسمه های ساخته شده توسط میکل آنژ برای آرامگاه ژولیوس را درست

در هم برای خود میکلآنژ که میدانست در دادگاه ایتالیا به اتهام بهجیبزدن پول برای اجرای یک بنای یادبود بزرگ بدون هیچگونه بازدهی مورد انتقاد قرار دارد بسیار وخیم بهنظر میرسید. این کلاهبرداری با آگاهی از عدم قدردانی او نسبت به بزرگترین پشتیبانش بدتر جلوه میکرد. به اطف یک توافق سیاسی که بدون شک به توجه به شرایط دشوار آن زمان در ایتالیا امکانپذیر شد، طی آن شرایط نرس آن میرفت که حمله دیگری از جانب امپراتور چارلز بنجم به شبه جزیره انجام شود و جنگهای جدیدی بین دولتها صورت بگیرد، گوییدوبالدو دلا روور در مقابل غرور و خودپسندی پل سوم ایستاد و در ماه مارس ۱۹۲۸ یک بینمبر و تندیس از حضرت بخیری با این میرفت که حمله دیگری از جانب امپراتور چارلز وراد با راوطنی متفاوت در قالب یک توافق جدید با میکلآنژ بست. در قرارداد نک شده بود که میکلآنژ تکمیل سه مجسمه - یک ساحره، یک پیامبر و تندیس از حضرت میرم میشده و در آن زمان در مرحله بسیار پیشر فقه اتمام بودند را به همکارش رافانلو دا مونتهلوپو بسپار، در حالیکه خودش مجسمه سه برده را که تقریبا تمام شده بودند، و یک مجسمه موسی را تکمیل میکرد. مجسمه چهارم که توسط میکلآنژ تراشیده شد، یکی از مجسمههای پاپ، در آن زمان ترکمیل و در اثر نصب شده بود. تغییر شش مجسمه به هفت مجسمه با پرداخت برای کار انجام شده نوسط مونتهلوپو، و بنابراین، زیان تبعی از ش مجسمههای که دیگر نام میکلآنژ را با خود نداشتند، روشن میشود. تندیس موسی در تنها فضای متناسب بان قرار میگرفت: تورفتگی در دیوار مرکزی که میکلآنژ قیلاً چهار نقش برجسته کوتاه در آن قرار داده بود و اکانوی بر دو طرف مجسمه موسی، پیکرنگاری بنای یادبود را به طور رونشهای تغییر دهد. این عرفت نای یادبود را به طور رونشهای تغییر دهد. این طراحت مذهبی می برای سالها به واسطه پیوند فکری و عاطفی عمیق خود با ویتوریا کولونا در آن شرکت میکرد. و درود قد میسمها در مدل مید بر در شد و میکلآنژ استفا داد تا دو در در شد و میکلآنژ ستفا داد تا دو در در این تکیل کند، با این و حده که مدل صورت مجسمه پاپ را عوض کند، و عدهای که اتفاق نیفتاد زیرا ریش ناتمام باقی مانده است. زندگی پرجنبوچوش و زندگی اندیشمندانه در دانود شدند و در از در مجسه هایی را دی مجده کرد و درور روز به نیکرآنژ طراحی شده و در در شد و میکلآنژ طراحی شده و دردی که قبلاً توسط میکلآنژ طراحی شده دود ندارد. ولیات موسود در در شدو دردارد

in march 1505, the then thirty year old michelangelo was summoned to rome by the new pope julius II della rovere (elected in 1503) to build a grand tomb in st peter's basilica in the vatican. the architectural renovation of the basilica had just been entrusted to donato bramante. having received a reasonable advance, michelangelo moved to carrara in order personally to choose the marble for the statues. michelangelo's initial idea seems to have been as seen in a drawing of uncertain date now in new york, in which he sketched out a very high wall tomb, a little over ten metres high, with a central antique sarcophagus on which was the pope supported by angels. large statues of uncertain subjects were located in the niches of the first level and on the corners of the second level. the marble began to arrive in rome the following year, but in the meantime the pope had changed his mind, perhaps for financial reasons – indeed, julius II was facing a serious military campaign in central Italy to retrieve the states of the church – or perhaps, as michelangelo suspected, because he had been convinced by the artist's enemies not to build his own tomb in his lifetime. a fierce exchange took place and the artist left Rome without the permission of the pope, who commanded the gonfalonier of florence, pier soderini, to make the artist return to the city, convinced by pier soderini to yield to the demands of the pope, michelangelo met the pontiff in bologna where he cast for him the bronze statue placed on the door of san petronio, on his return to rome, michelangelo succeeded in obtaining the commission to paint the ceiling of the sistine chapel, where he worked until 1512. a few months after the completion of the sistine ceiling and the pope's death in february 1513, michelangelo signed a new contract with his heirs for a grand and very expensive monument, 16,500 ducats, part of which was paid immediately to the artist who undertook to work exclusively on this project for the next seven years. this project involved a platfo

considering him almost a traitor because he had abandoned the medici in the political upheaval of 1494. from 1500 onwards michelangelo had served the pier soderini republic, for which he had carved his david, which became the most important and beloved symbol of republican liberty, during that period michelangelo undoubtedly worked on his moses, the sibyl and the two slaves now on display at the louvre, the statues were in the house-cum workshop put at his disposal by the heirs of julius II at macello dei corvi, jan's column, where he had built a forge to temper the work tools. n 1516, michelangelo received a commission from leone x to build the façade of the church of san larenza in florence and he abandoned work on the tomb infuriating the heirs of the pope, cardinal leonardo grosso de the duke of urbino, francesco maria della rovere, heedless of the legitimate protests of the duke and the cardinal, michelangelo undertook the construction of the facade of the church of san lorenzo and, in July 1516, entered into a new contract with the heirs of della rovere to reduce the monument to a less imposing scale, the number of statues was reduced from thirty eight to twenty and michelangelo obtained a six year extension to the monument's delivery date. the project to build the façade of san lorenzo failed, maybe also because ingelo was too ambitious in trying to carve out from the tuscan mountains gigantic blocks for the columns that broke during transportation. despite the persistent requests of the heirs of julius II, in 1520 michelangelo accepted a new commission from the medici: construction of the funeral chapel in san lorenzo on which he was to work until 1532, to placate the protests of the heirs of julius II, the artist undertook to carry out work on the to but in reality, during the fifteen years he was in florence, he only worked on the drafts of the four slaves – today in the accademia gallery in florence - and on the sculpture 'the genius of victory' – today in the palazzo vecchio despite the protestations of the duke of urbino, francesco maria della rovere michelangelo made no effort to complete the tomb of julius II, emboldened by the protection of the new medici pope, clement VII (1523-1534), who wanted at all costs to complete his own funeral chapels in san lorenzo, in 1527, as a result of the deep political crisis that developed between pope clement VII and emperor charles V, a republican government was established in florence in which michelangelo took on the position of governor of the city's fortresses. after c protracted siege in 1530, the republican government was overthrown with loss of life and michelangelo was forced into hiding for many days behind a trap door under the floor of the church of san lorenzo, to escape the fury of the restoration led by the nephew of the pope, the bloodthirsty alessandro de medici. pardoned by clement VII, the artist agreed to return to rome to paint the last judgement on the wall of the sistine chapel but he was also persuaded to complete the tomb of julius II, since the duke of urbino threatened him with a strong legal action, accusing him of having pocketed a huge sum of money without having vet produced anything, deciding to close this painful chapter, which he himself d 'the tragedy of the tomb', on 26 April 1532 michelangelo entered into a new contract with francesco maria della rovere, undertaking to provide six statues for the monument by his own hand and to contract out to production of the architectural decoration, the monument, now much reduced in ize, became a wall tomb and it was michelangelo himself who chose its new location in the basilica of san pietro in vincoli, a church linked to the della rovere name like the other more important and frequented santa maria del popole where, however, according to michelangelo, the light conditions were not good almost finished statues there that he had left in the macello dei carvi house before ne left for florence in 1516. he intended using the two slaves that are now in the louvre on the lower level, the sibyl and the prophet on the level above, these also the madonna, both of which would have had to be adapted to the now greatly reduced space. already in 1533 michelangelo had started the masons worki to prepare the transept of san pietro in vincoli to accommodate the tomb. at the end of the right transept, by the choir of the friars, he opened a large arch that receives light from the window behind it transforming the wall tomb into a three dimensional structure with spatial depth. the light struck the tomb from the rear from two high windows, one to the left and one to the right, the latter later being removed when the church and the adjacent buildings underwent restructuring. the central niche of the first level was to remain empty as an ideal entranc to the funeral chapel, decorated on its sides by four bas-reliefs that michelangelo placed there at the end of the thirties and a bronze bas-relief in the central panel with a representation of the fall of the manna from heaven, where the manna is in the shape of acorns, the heraldic symbol of julius II. once again, however, the works were unfortunately destined to remain incomplete because michelangelo had to work exclusively on the last judgement at the command of the new pope paul III farnese (1534-1549) who in 1536 issued a motu proprio to free the artist from all other tasks.
only at the end of the grand pictorial enterprise in november of 1541 was michelangelo able to go back to working on the tomb, but on 23 november 1541, paul III told the new duke of urbino guidobaldo della rovere that, ot only did he intend to use michelangelo to decorate his new chapel in the vatican, the pauline chapel, but that he intended to place the statues produced









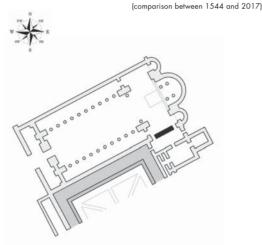


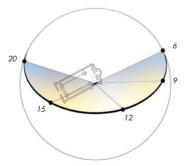


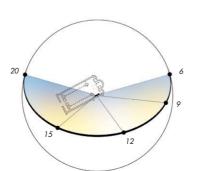
the study مطالعه

ما از طریق آمیختن سنجش ابزاری پیشروی امروزی با سنتی ترین نوع مطالعه اسناد باستان و با تلاش مداوم و حساسیت فوق العاده، به مکان گوش فرا دادیم. در این میان، یکی از یافته ها نامه ای از میکل آنژ به دوست خود بود. در این نامه، هنرمند امکان راهاندازی اثر تاریخی مراسم تشییع جنازه در کلیسای روم سانتا ماریا دل پوپولو را بهدلیل عدم وجود [...] روشنایی مناسب، رد کرده بود. این آگاهی از اینجا سرچشمه میگیرد که از نظر بوناروتی، وجود نور در اطراف مکانی که میخواسته اثر خود را بسازد عنصری ضروری بوده است. در اصل، در کلیسای جامع سن پیترو در وینکولی دو پنجره بر روی دیوار در دو طرف بنای تاریخی وجود داشته است. با توجه به مطالعه كار توسط ميكل آنژ، شكى نيست كه همان طور كه او سنگ مرمر را مىتراشىدە است، نورى را كه از طريق پنجره به سمت راست گروه تنديس قرار مىگرفته و همچنين سایه هایی را که توسط خود مجسمه ساز ایجاد می شده محاسبه می کرده است. در واقع تندیس موسی با چرخاندن نگاه خیره او به نور غروب آفتاب تراشیده شد، تا پر تو های فروزان، نماد نجابت به چهره او بخورد. راهاندازی مجدد از شرایطاولیه اثر هنری، که به میکل آنژ اجازه می داد به آن شکل در ستی بدهد، یک گام اساسی و ضروری بوده است تا بهجای یک شیوه نوردهی آسان، 'بهسادگی' نور و سایه اثر هنری را بهآن بازگرداند. بهمنظور بازگرداندن سنگ مرمر به زندگی و ارتعاش بخشیدن به آن، آشکارکردن رنگها و جلوههای سایه روشنی که میکلآنژ میخواست انتقال دهد، ما در ساعات مختلف روز، از سپیدهدم تا غروب آفتاب نور طبیعی در داخل کلیسا را با تأیید شدت، گرما و رنگ مسیر نور با دقت بررسی کردیم. تكنيكهاى عكاسى در ضبطار تباطبين سردى آرام سنگ مرمر و تغيير دماى نور اشعه هاى خورشيد، باتركيب اشكال و رنگهای موزاييكي زيبای الهامگرفته از پروژه طراحي روشنايي، فوق العاده باارزش بوده است. with constant dedication and extreme sensibility, we listened most traditional study of ancient documents. one of the findings was a letter from michelangelo to his friend. in the letter, the artist refuted the possibility of setting up the funeral monument in the roman church of santa maria del popolo because it was lacking [...] appropriate lighting. from here originated the awareness that, for buonarroti, light was the essential element around which to build its own work. originally, in the basilica of san pietro in vincoli there were two windows on the walls at the sides of the monument. according to the study of the work by michelangelo, there is no doubt that as he was sculpting the marble, the sculptor took into account the light that was filtering through the window positioned to the right of the sculpture group as well as the shadows cast by the sculpture itself, indeed moses was sculpted with his gaze turned to the light of the sunset, to let his face strucked by the luminous rays, symbol of salvation. restarting from the artwork 'sinitial conditions, which allowed michelange lotos hape a sinitial conditions and the sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions and the sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions are sinitial conditions. The sinitial conditions are sinitial conditioit properly, it has been a fundamental step of the activity, indispensable to 'simply give back to the artwork its light and its shadow instead of an easy lighting practice. we have carefully studied the natural light inside the church at different hours of the day, verifying the intensity, warmth and color of the light path, from the dawn to the sunset, in order to bring back to life the marble and give it vibrations, revealing the colors and the chiaroscuro effects that michelangelo wanted to convey. photographic techniques have been invaluable in recording the relationship between the still coldness of the marble and the changing light temperature of the sun rays, composing a suggestive mosaic of shapes and colors, precious fragments of light that inspired the lighting design project

بروز قوس خورشیدی در کلیسای اعظم سن پیترو در وینکولی در طول ساعات عمده روز مقایسه بین ۲۰۱۷–۱۵۴۴) solar arch incidence on the basilica of san pietro in vincoli during the main hours of the day







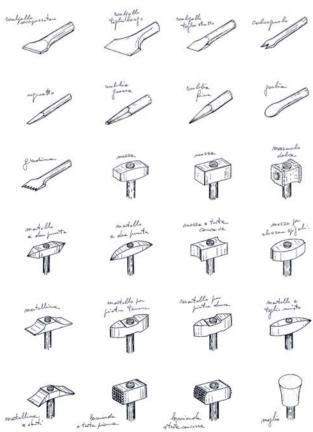
۲۱ آوریل ۲۰۱۷ ۵.۵۲ سییده دم ۰۶.۲۱ طلوع خورشید ۱۹.۵۸ غروب 05.52 dawr 06.21 sunrise 19.58 sunset 20.27 dusk



the restoration بازسازی

طور متفاوت تراشیده، صیقل داده و خلق کرده است. دستها روی جزنیات خاص کشیده می شوند، مانند روی ابریشم سرد. اسکنه، و به دنبال آن سنگ پومیس و سپس سرب، سنگ مرمر را به خالصترین سنگ تبدیل کرده بود، سنگی که وقتی خورشید میدرخشد نور را مانند آینه منعکس می کند. در نقاط دیگر، دست متوقف می شود، گوشت خشن می شود، زیرا میکل آنژ با ایجاد یک سایه در مادهای که زیر نور خورشید نیز شکل خواهد گرفت، زودتر با ابزار خود متوقف شده است. نور توسط میکل آنژ در سنگ مرمر ایجاد می شود، اما تنها زمانی که توسط نور دیگری گرفتار می شود، نور خورشید، گویی آن نور نمادی از خدا باشد، حیات میگیرد به روشنی میدرخشد. به همین . لیل همه تلاش ما نه تنها معطوف به روشنکردن مجدد نور ایجادشده در سنگهای مرمر توسط قلم میكلآنیر، بلكه نور دیگری است كه با بستن پنجرهها مسدود شده است. احتمالاً كمتر از آنچه توسط میكل آنژ دیده و دوست داشته، الهی است، اما حداقل كمی واقعی تر است. آنتونیو فورچلینو and not just visual contact with the marble, the hands that slide over its surface complete vision with touch. hands realised, before eyes, that michelangelo had created, finished and sculpted the surfaces of his sculptures differently. the hands slid over certain details, like over cold silk. the chisel, followed by pumice and then lead, had transformed the marble into the purest stone, a stone which reflects light like a mirror when the sun shines into it. in other points, the hand gets stuck, the flesh becomes rough because michelangelo stopped sooner with his tools, creating a shadow in the matter which would also have taken shape under the light in the sun. the light is created by michelangelo in the marble, but only when caught by the other light, that of the sun, as if it was a symbol of god, that light comes alive and shines brightly. this is why our every effort has been aimed at reigniting no only the light of marbles created by michelangelo's chisel, but also the other light, that blocked out by closing the windows. possibly less divine is that seen and loved by michelangelo but, at last, it is slightly more truthful. antonio forcelling

و نه فقط تماس بصری با سنگ مرمر. وقتی دستها روی سطح آن کشیده میشود حس بینایی را با لامسه تکمیل میکند. دستها قبل از چشمها درک کردند که میکلآنژ، سطوح تندیسهای خود را به



ایزار مخصوص سنگگاری: چکش اهنی ترم برای خردکردن، پتک ها، سوکت دو سر مربع، سر شیاری برای گرشهها، از از مخصوص سنگگاری: چکش اهنی ترم برای خردکردن، پتک ها، سوکت دو سر مربع، سر شیاری برای گرشهها، از از مخصوص فرایند پاکستاری، ماتند اسکنه های برش مخلوط، اسکنه سر صدف، اسکنه سر محدید. در کنار آن ها، از الافاق sscalcagnolo بنز یک ماتند اسکنههای ریز یا بزرگ و دیگر ابزار مشابه با نام gradina (ugnetto gorbia tools for stone working: hammer, soft iron hammer for chipping, mallets, two-point socket head to square, slotting head for corners, straight shear hammer for tender stones, notched cut hammer for harder stones, mixed-cut hammer, flat head chisel, convex head chisel. next to them, the tools to refine the process, such as fine or large chisels and other similar tools named as subbia, scalcagnolo, gradina, ugnetto, gorbia (also named 'round iron') to give the exposed surface a pleasant appearance.



look at me به من نگاه کن

اثر هنری ویدیویی "به من نگاه کن"، برخی از مجاری پاکسازی و "بازسازی نور" آرامگاه ژولیوس ده و را از طریق و برایشی که میتواند در کات و حزنیات تراشیدهشده را بر حسته کند، به تصویر میکشد. این و پدیو حاصل همکاری طو لانی مدت با آنتونیو فور چلَینو و ماریو ناتی است: و نشان دهنده همه ملاحظات، بينشهاو بازتابهايي استكهدر اين دوره بهبلوغ رسيده وازطريق رسانه ويديويي بهبيننده باز كردانده مي شود. نابراین این یک کار مستند نیست، اما یک قرانت لمسی از اثر میکلآنژ است که با حركات آرام و آگاهانه مرمتكاران و تكنسينها بهآهستگی انجام شده است. من یک معمار فیلمساز و کارگردان معمار هستم. کارهای من همیشه بین این دو نطب، بین این دو حساسیت در نوسان است: دو دیدگاه که به ناچار در این کار متقارن شدهاند، که از یک رویکرد بدون شک معماری به اثر میکلآنژ سرچشمه گرفته است. با شروع کار از بررسی مکان (کلیسای سن پیترو در وینکولی) و ویژگیهای آن (فضا، نور، تاریخ)، خود را در کشف اثر و خصوصیات آن رها کردم. بهمنظور انجام این کار، گام اول و اساسی ایجاد یک گاهشمار قادر به ضبط شرایط نوری در داخل جناح کلیسا، با مشاهده تکامل دیش خورشیدی در طول یک روز کامل بوده است. این ثابت کرد که یک ابزار بازتاب و کار مهم برای همه ما است. این مقدمه ای است که من برای تأمل روی آثار میکل آنر و انجام کار خود از آن شروع کردهام. بنابراین این ویدیو در داخل کلیسای سنت پیتر در زنجیر نور طبیعی باز میشود. در داخل ویدیو، نور حجمها، فضا و بدنها، المانهای conditio sine qua non اثر بیکل آنژ را تعریف میکند که از کنتراستهای مورد مطالعه در نور و سایه ساخته شده و با استفاده هوشمندانه از تكنيك مجسمهسازى تقويت گرديده، و در اينجا در نهايت امكان گويايي آن بوده است. بهلطف تميزكاري صبورانه آنتونيو فورچلينو و تيمش، با بازگشت سنگ مرمر به یکپارچگی اصلی خود، سنگ مرمر به اراده هنرمند تعظیم میکند. با نمایان شدن جزئیات منحصر بهفرد و دیدگاههای بینظیر در پشت پوشش زمان، شاهکار به تدریج آشکار میگردد و با پیچیدگی پیدایش خود توجه بیننده را جذب میکند. لنز دوربین به سنگ ساده نزدیک می شود و با نفوذ به داخل لایه های چین خورده قرار داده شده در طاقچه پشت محراب مورد بررسی قرار میدهد، در سنبادهزدن مختلف سنگ مکث میکند: هرچند در قسمتهای بیرونزده بهطرز باورنکردنی درخشان است، عامداً در بخشهای سایهدار آن مات شده است. دوربین تغییرات نور را با تعقیب آنها، تلاقی با موسیقی و شناورشدن در خصوصیات ویژه آن در میدان ضبط میکند. اعضا، بدنها، حركات روح، بهوسيله نور تعريف و مورد بررسى قرار سیگیرند. نوری که بهلطف کار ماریو نانی به حالت اصلی خود بازمیگردد. اثر هنری دوباره کشفشده، اکنون منتظر تماشا و دیدهشدن است: ویدیوی به من نگاه کن با قاب سه لوحى به پايان مىرسد، يك طراحى رقص بصرى متشكل از سه گذر زمانى مختلف. اولین گذر زمانی نگاه جدی موسی را روی جریان مداوم بازدیدکنندگان ایستاده در مقابل او، در نوعی نقش حیرت آور معکوس نشان میدهد. دو گذر زمانی باقیمانده، ضبط تکامل روشنایی داخل جناح کلیسا را با توجه به دیش خورشیدی، شاهد محض به شرایط نور (طبیعی و مصنوعی) آرامگاه پاپ ژولیوس دوم را قبل از بازسازی شرایط نوری اصلی ضبط کرده است. نورها و سایهها یکدیگر را در یک توالی بیوقفه تعقیب میکنند، و مانند یک میزانهشمار روی زمان ضریه میزنند. انریکو فراری آردیجینی the video artwork 'look at me' depicts some passages of the cleanup and of the 'restoration of the light' of julius II mausoleum through an edit able to highlight gestures and sculpted details. the video is the result of the long-lasting collaboration with antonio forcelling and mario nanni: it reflects all the considerations, the insights and reflections matured during this period of study and research returning them to the viewer through the medium of the video it is therefore not a documentary work, but a tactile reading of the work of michelangelo, quietly accomplished, through the conscious and composed gestures of restorers and technicians. I am a filmmaker architect and an architect director. my works always oscillate between these two poles, between these two sensibilities: two visions that inevitably converge in this work, which originated from an undoubtedly architectural approach to the work of michelangelo starting from the place examination (the church of san pietro in vincoli) and its characteristics (space, lighting, history), I left myself discover the work and its peculiarities. in order to accomplish this, the first and fundamental step has been the creation of a time-lapse able to record the lighting conditions inside the transept, observing the evolution of the solar dish throughout a whole day. this proved to be an important working and reflecting tool for us all light is creation, is the principle, this is the premise from which I started to reflect on the works of michelangelo and carry on my work, the video thus opens on the inside of the church of st. peter in chains' natural light. inside the video, light defines volumes, space and bodies, the condition sine aug non elements of michelangelo's work, made up of studied contrasts in light and shade, enhanced by the clever use of the sculpting technique, here taken to the extreme of its expressive possibilities, marble bends to the artist's will, returning to its original integrity, thanks to the patient cleaning work carried out by antonio forcellino and his team. the master's work is gradually revealed, uncovering unique details and unprecedented viewpoints behind the coat of time able to grasp the viewer with the complexity of its own genesis. the lens approaches the bare stone, investigates, penetrating into the folds of a drapery left at the gradin stage, pausing on different stone sanding deliberately opaque in its shadowed portions, and though so incredibly brilliant in the projecting ones, the camera records the light changes within the field, chasing them, meeting the music and floating on its strains nembers, bodies, motions of the soul, investigated and defined by light light which returns to its original state thanks to mario nanni's work the rediscovered artwork, now asks to be watched, observed: look at me the video ends up with trittico, a visual choreography consisting of three different time-lapse, the first time-lapse sees moses' look settling severe on the constan flow of visitors standing before him, in a sort of surprising role reversal. the remaining two, recording the evolution of lighting inside the transept, according to the solar dish, bear witness to the lighting conditions (natural and artificial) of pope julius II mausoleum, before the original lighting conditions were restored. lights and shadows chase one another in a ceaseless succession and, like a metronome, beat the time, enrico ferrari ardicin









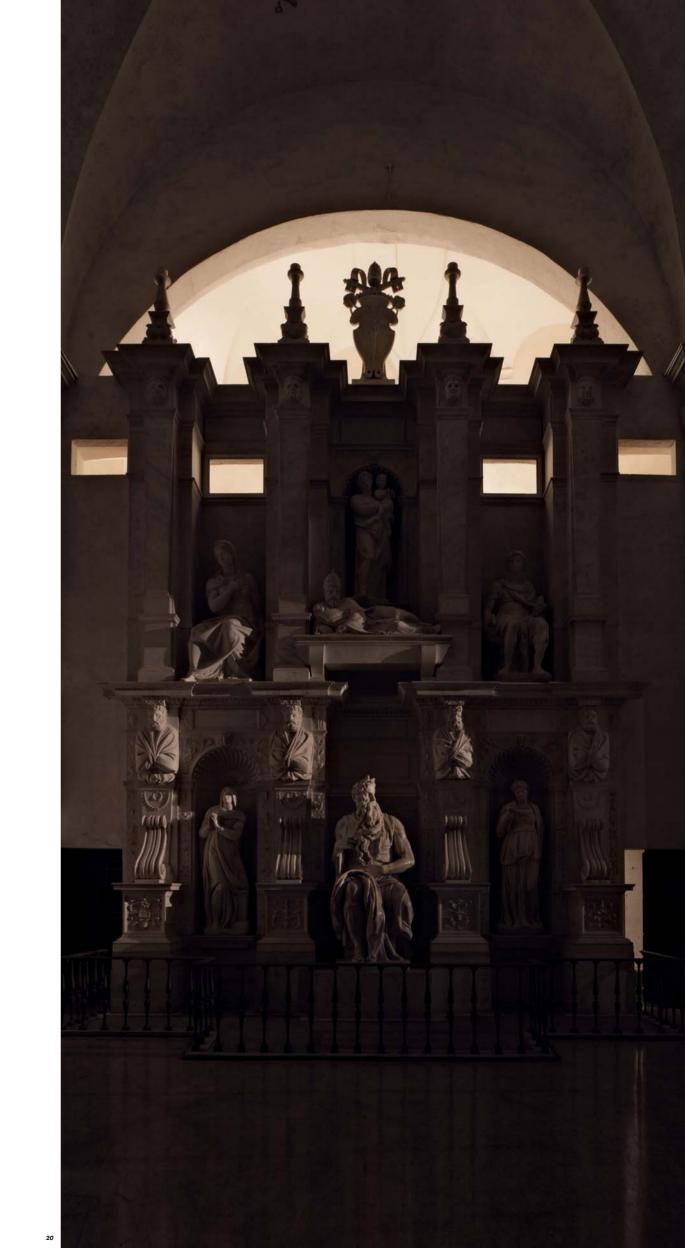


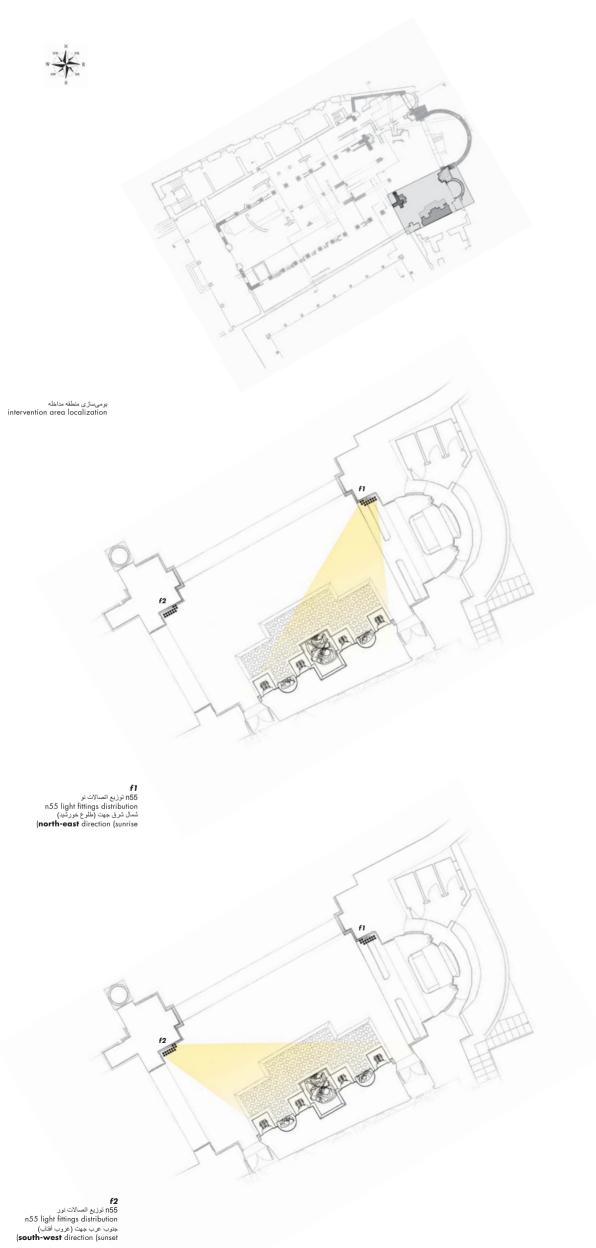
the restoration of the light

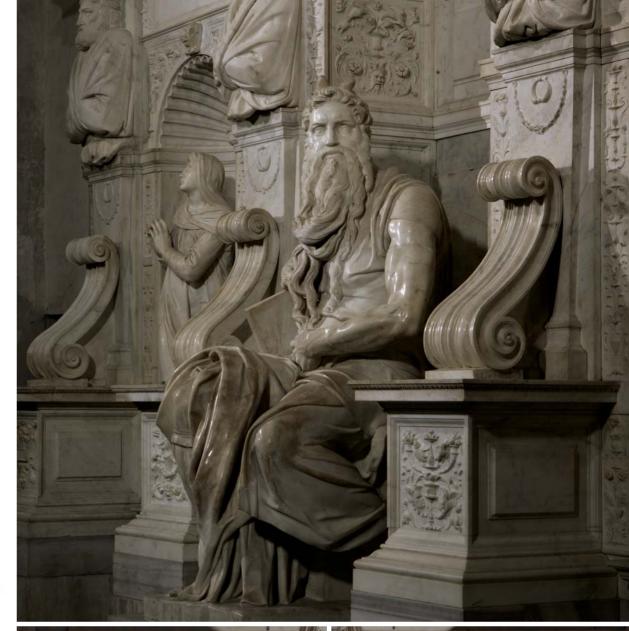




the project پروژه مداخله ما یک بازسازی لغوی و واقعی شرایط نور اصلی است، که در آن ما خود را از طریق بازگشایی مجازی پنجره سمت چپ که موسی نگاه خود را به آن چرخانده است، بهمنظور تقویت ماده، معنا، نور و نمادگرایی، در اختیار آثار هنری میکلآنژ قرار میدهیم. مطالعه محل و خود گروه پیکرتراش، این پرسش را در ذهن ایجاد میکند که با توجه به اینکه خود سنگ درخشندگی خاص خود را دارد، چگونه سنگ به نور طبیعی واکنش نشان میدهد. از آنجاییکه امکان انجام عملیات از نقطه نظر معماری وجود نداشت، پروژهای برنامهریزی شد که مىتوانست معناى عمق كار را بيان كند. اين پروژه به زنجيره بىتفاوتى و جهالتى كه بهطور بالقوه لمس نبوغی را که میکلآنژ تمام عمر خود را وقف آن کرده بود، خاتمه داد: توانایی تراشیدن نور. از تاریکی همیشه یک داستان شروع میشود: ما با دقت نوری را که از طریق پنجردها در شرق و در غرب در روز انتخاب شده آوریل ۱۵۴۶، شرط مورد توافق میکلآنژ برای ارایه تندیسهایش به کلیسا، آزمایش و مطالعه کردیم. با دنبالکردن مسیر نور در طول روز، از سپیدهدم تا غروب، و اثر آن بر روی سنگ مرمر، ذهن مراقب نور نبوغ تنها هنرمند جهان که قادر به شکلدادن به سنگ از طریق اشعههای آفتاب بود، از نو بهوجود آمد. مانند یک طراحی رقص درخشان، مداخله انتشار نور طبیعی در داخل کلیسا را درک کرده و آن را به چهار عمل تقسیم میکند: سپیدهدم، طلوع آفتاب، غروب آفتاب و هنگام گرگومیش. نور مصنوعی مسیر نور خورشید را تقاید میکند، با نوسان تدریجی منظم دما و شدت رنگ، با یک پرداخت رنگ که سایهای از نارنجی به قرمز ایجاد میکند، خود را با نور طبیعی محیط یکی میکند. به نظر میرسد که نور از خود موسی منتشر میشود، این بهلطف صیقل قابل توجه بازوی چپ و صورت است، که در اصل خورشید در هنگام غروب روی آن مىتابيد، و پيامبر را هم از جنبه فيزيكى و هم از جنبه نمادين نورانى مىكرد. هر مجسمه بنای یادبود جدا گذاشته شده و نمای آن با پرتوهای نور مختلف که در بخشهای مختلف روز به آن حیات میبخشد، تقویت با برجسته کردن عمق و بافت، پروژه این امکان را فراهم میسازد که بیننده موسی اثر میکلآنژ را واقعاً بههمان صورت که سازنده در نظر داشته ntion is a real philological restoration of the original light in which we put ourselves at disposal of michelangelo's artwork metaphorical reopening of the left side window to which moses stone itself had its own luminosity. as it was impossible to operate from an architectural point of view, a project was developed, which could tell the profound meaning of the work. this ended a continuum of indifference and ignorance, which potentially obscured the touch of genius to which michelangelo had consecrated his entire life: the ability to sculpt light. from darkness always begin a story: we carefully examined and studied the light that came into the basilica through the windows in the east and in the west on the chosen day of april 1546, the agreed term for michelangelo to deliver his sculptures. following the path of the light throughout the day, from dawn to dusk and its effect on the marble, it has been recreated a lighting mindful of the genius of the only artist in the world able to give shape to stone through the rays of the sun. as in a luminous choreography, the intervention understand the natural light spilling inside the church and divided it into four acts: dawn, sunrise, sunset and dusk. the artificial lighting mimics the solar light path, with a regular gradua fluctuation of both the color temperature and intensity, with a color rendering that shades from the orange to the red, integrate itself with the ambient natural light seems to come from moses himself, thanks to the notable of the left arm and of the face, on which originally the sun shone illuminating the prophet both physically and symbolically each statue of the monument has been isolated and enhanced by different light beams that brig it to life during the four different parts of the day by highlighting depth and texture, the project lets the viewer to meet michelangelo's moses truly the way the author had intended it.

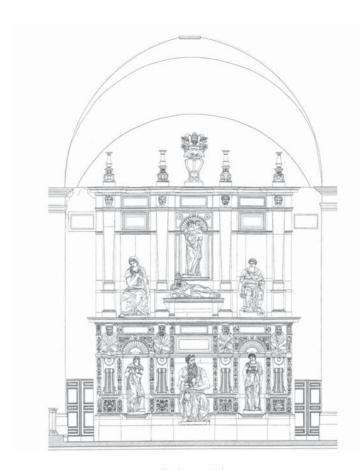




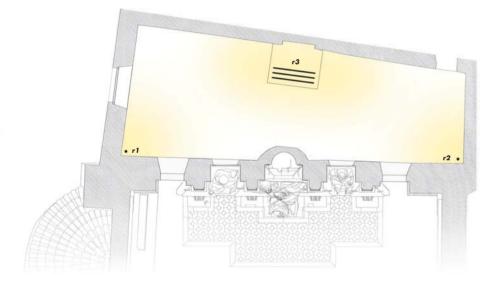


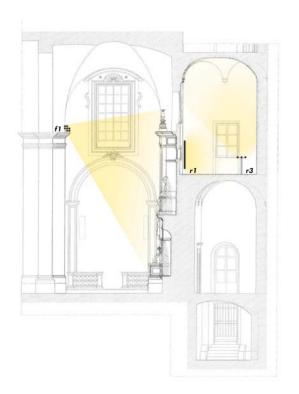


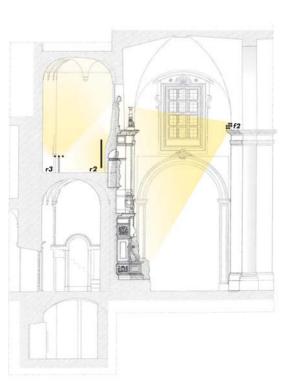




چشمانداز نمونه پیکرنز اشی prospect of the sculputure ensamble

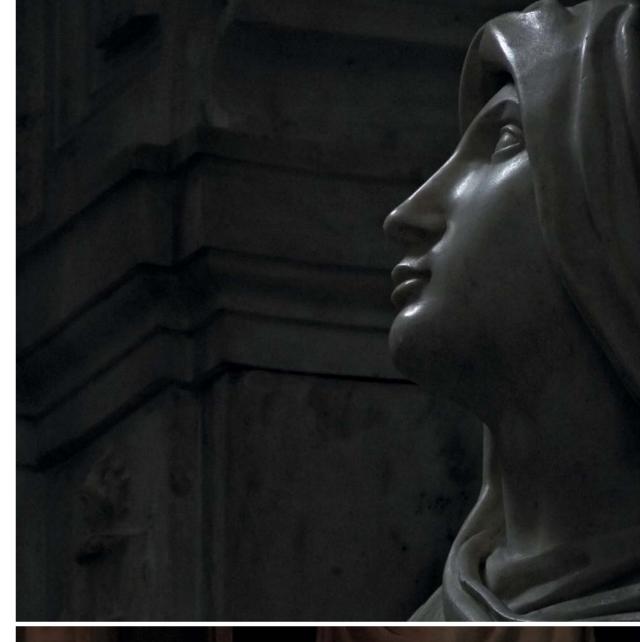














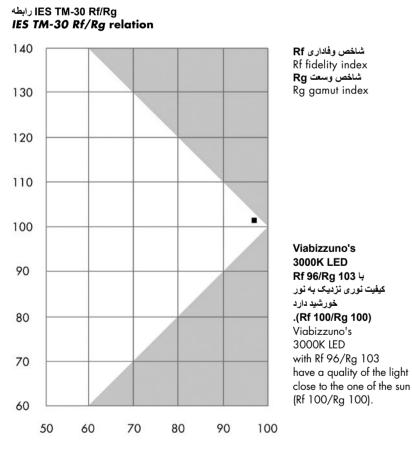
the work اثر

عملیات مداخله در آرامگاه ژولیوس دوم به روشنایی پویا نیاز داشت که در همزیستی با نور طبیعی در کل طول دوره بیست و چهار ساعت فعال باشد. n55 اتصالات نور ديود نورى با فن آورى اختصاصى و يک سيستم نورى منحصر به فرد توسط ويابيتَزونو، نور طبیعی خورشید و تغییرات تدریجی آنرا از نو خلق میکند، و بافت نور و تماس آنرا با سطوح صافتر یا ناهموارتر سنگ مرمر تقویت میکند، کیفیت سه بعدی بنای یادبود، سایههای آن و ویژگیهای تصویری که بخش قابل توجهی از یک اثر هنری است که تنها امروز میتوان گفت که بازیابی شده است. عملیات مداخله شامل نصب و راهاندازی n55 اتصالات نور بسیار کوچک پنهان در سرستون ها نزدیک هر دو پنجره موجود و ستون دیواردار میباشد. سیستم مجهز به یک فنآوری دیود نوری منحصر بهفرد است بهطور ویژه برای ویابیترونو ساخته شده است، نوری با کیفیت بسیار بالا، بسیار شبیه به نور طبیعی خورشید منتشر میکند که در طول زمانهای مختلف روز وارد کلیسا می شود و قادر به تولید نور مهتاب می باشد. اتصالات نور مورد نیاز برای روشن کردن مجسمه خصوصیات زیر را دارد: مقدار Rg 103 (شاخص وسعت) و یک مقدار RF 96 (شاخص وفاداری) در مقیاس ارزش 30-TM (روش IES برای ارزیابی تفسیر رنگ منبع نور)، یک سیستم به کارگیری ۹۹ رنگ نمونه، شامل هر دو نوع رنگ اشباع شده و کمی اشباع شده می باشد. یک عامل خرابی 0.150mW/Im، یکی از پایینترین سطوح ممکن که با استفاده از فن آوری مدرن، با توجه به خورشید یا یک منبع هالوژن سنتی به مقداری بیش از 75mW/Im میرسد که ۵۰۰ برابر بزرگتر از منابع دیود نوری ویابیتَزونو میباشد. کارآیی نور که بین 15lm/W و 96lm/W متغیر صرفهجویی ممکن در انرژی (درجه ++A) را فراهم میسازد. CRI (شاخص پرداخت رنگ) ارزش ۹۸، مربوط به ۱+۱۴ رنگ میشود، و محدود به ۸ رنگ اصلی که معمولاً اکثر تولیدکنندگان ارایه میدهند نیست، با توجه به اینکه R9 مشکلسازترین رنگ با فنآوری دیود نوری است، یک ارزش بالا بهخصوص با قرمز اشباعشده ارایه میدهد. آنها در دماهای رنگ مختلف - به ترتیب 4000K، 3000K و 5000K عمل میکنند. آنها هر دو اشعه ماورای بنفش و مادون قرمز و فاقد سوسوزنی هستند و یک بیضی ماکادام ۱ گام دارند. n55 اتصالات نور، که بهراحتی قابل تعویض هستند تمام تعمیرونگهداری را سهولت میبخشند و هزینه مدیریت را کاهش میدهند، نیروی محرکه با اتلاف حرارت پویا را به ثبت رسانده است. به CRI با Viabizzuno fi50 با CRI با با ۹۵ در جناح گروه کر کلیسا قرار داده شد، که به کل دیوار مجموعه تندیس عمق بخشید و خطوط کنارهنمای فوقانی نور پس زمینه آنرا برجسته کرد. این دیود نوری سه دمای رنگ مختلف دارد: 3000K, 4000K e 5000K. سیستم روشنایی که توسط یک کنترلکننده dmx مدیریت می شود، با تضمین حساسیتی که تنها نور طبیعی میتواند ارایه دهد، حداکثر دقت و تناوب لحظات نور مختلف را فراهم میسازد.



'ماریو! ما پایپ را با نور تو نجات دادیم، mario! we saved the pope with your light, شخص دیگری نشان داده است!! 'another person has shown! آنتونیو فورچلینو تنتونیو فورچلینو

the intervention on the tomb of julius II required dynamic lighting operating in symbiosis with natural light throughout the twenty-four hour period. n55 led light fittings with proprietary technology and an exclusive optical system by Viabizzuno recreate natural sunlight and its gradual variations, enhancing the texture of light and its contact with smoother or rougher marble surfaces, the tridimensional quality of the monument, its shadows and the pictorial features which are a substantial part of an artwork today we can claim as recovered. the intervention consists in the installation of n55 extremely small light fittings concealed on the capitals nearby both the existing window and the walled one. the system is and equipped with an exclusive led technology specially developed for Viabizzuno, emitting an extremely high quality of light, extremely similar to natural sunlight entering the church during the different times of the day and able to reproduce moonlight. the light fittings required to illuminate the sculptures have: a Rg value of 103 (gamut index) and a Rf value of 96 (fidelity index) in the TM-30 value scale (IES Method for Evaluating Light Source Color Rendition), a system employing 99 sample colours, including both the saturated and lightly saturated ones. a 0.150mW/lm damage factor, one of the lowest possible using modern technology, considering the sun or a traditional halogen source reach a value of over 75mW/lm, 500 times larger than Viabizzuno led sources. 115lm/W and 96lm/W, allowing the maximum possible energy saving (A++ grade). a CRI (Color Rendering Index) value of 98, referred to 14+1 colors, and not limited to the 8 main colors as with most manufacturers, providing an elevated value especially with saturated red-considering R9 is the most problematic color with led technology. color temperatures 2200K, 3000K, 4000K 5000K respectively. they are both uv and ir and flicker free and have a 1-step macadam ellipse. reducing dynamic propulsion in order to complete the project, five Viabizzuno fi50 light fittings with a cri equal to 95 were placed in the transept of the choir, adding depth to the whole wall of the sculptural complex and highlighting its backlit upper contours. have three different colour temperatures: 3000K, 4000K e 5000K. ensuring the sensitivity that only the natural light is able to donate.



منبع نور light source ديود نورى ويابيتزونو

QT12-RE + UV 필터 QT12-RE + UV filter لامپ تابان incandescent lamp

عامل خرابی (f (mW/lm) damage factor f (mW/lm)

0.149 0.160

75

گرافیک برداری رنگ color vector graphic

گرافیک اعوجاج رنگ color distortion graphic

2700K

CIE

Ra 98 R9 98

TM-30 Rf 96 Rg 102

3000K

CIE

Ra 98

R9 98

TM-30

Rg 103

4000K

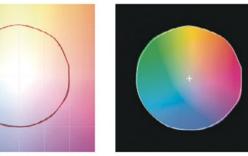
CIE

Ra 98 R9 98

TM-30 Rf 93

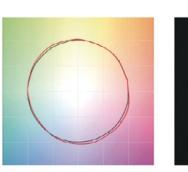
Rg 103

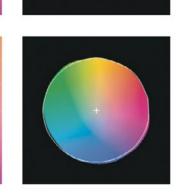
Rf 96











عملکرد رنگ برجستهای از سیستم N55 outstanding color performance of n55 system

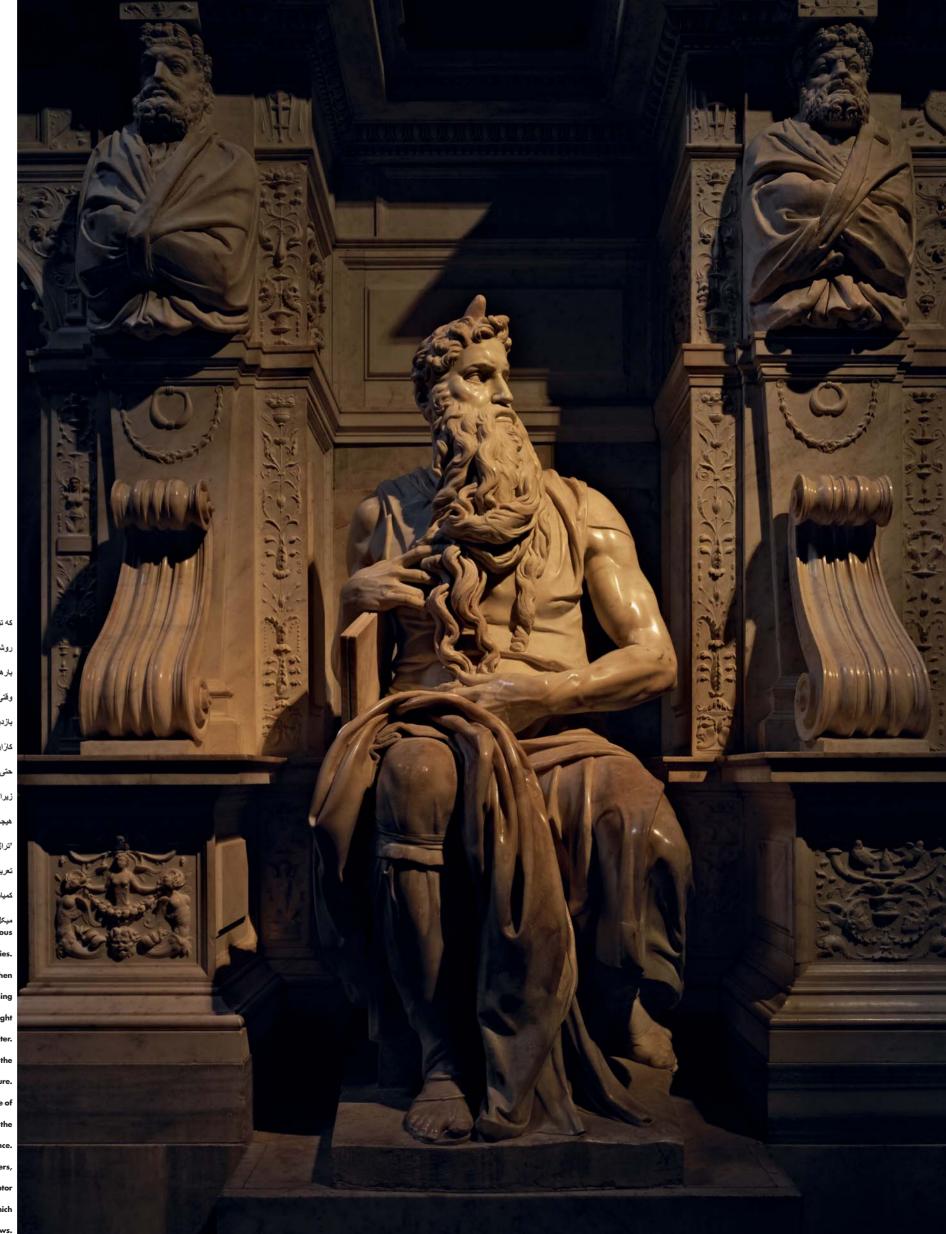












the result نتیجه

که توسط میکلآنژ به او داده شد؛ آرامگاه مشهور ژولیوس دوم پس از قرنها اکنون دوباره میدرخشد. روشنایی جدید با مشخص کردن ساختمان و پیکره های پروژه فوق العاده که در ۱۵۰۵ به آن فکر شد، بارها بازطراحی شد و سرانجام چهل سال بعد تحقق یافت، بنا را همانگونه نوسازی کرد که در اصل، وقتی بونارَوتی برای انتخاب کلیسای جامع سن پیترو در وینکولی الهام گرفته بود بهنظر میرسید. زیرا بازسازی نور به افرادی که به سن پیترو در وینکولی میروند بینش و هیجانی بخشیده است که در اصل توسط این استاد دوره رنسانس درک شده است. تراژدی مراسم تدفین'، همانطور که یکبار توسط یکی از زندگی نامه نگاران بوناروتی تعریف شده بود، اکنون به یک نتیجه شاد رسیده است: روشنایی جدید در مداخله با حساسیتی کمیاب، که نه تنه به تندیس موسی نور بخشید، بلکه سایه هایش را نیز به آن بازگرداند، of in 1505, redesigned several times and finally realized forty years later. any visitors to rome will finally be able to see the original colours of the the 'burial tragedy', as it was once defined by one of buonarroti's biographers, happy outcome: the new lighting reveals michelangelo as sculptor of light in addition of marble, in an intervention of rare sensibility which has not only given the light to moses, but has returned him its shadows.



۵.۴۰ سپیده دم 05.40 dawn



۰۶.۱ طلوع خورشید



۹۰۰۰ صبح 09.00 morning



۱۲.۰۰ ظهر 12.00 midday



۱۴٬۰۰ اوایل بعد از ظهر 14.00 early afternoon



۱۶.۰۰ بعد از ظهر 16.00 afternoon



۲۰.۰۶ غروب 20.06 sunset



۲۰_.۳۶ هوای گرگ و میش 20.36 dusk

